

هیچ چیز آن طور که به نظر می‌رسد نیست: «تصرف گفتمان» و سیاست‌های واکنش منفی

تسا لوین*



ترجمه‌ی شکیبا رحمانی



* همکار پژوهشی انستیتو مطالعات توسعه، انگلستان

یادداشت مترجم

موضوع مقاله‌ی پیش رو، یعنی «تصرف گفتمان» و تأثیر آن بر حقوق زنان، در فضای فارسی‌زبان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. «تصرف گفتمان» تصاحب و دستکاری زبان مترقی توسط برنامه‌های راست‌گرا برای تضعیف قوانین مترقی مانند حقوق سقط جنین یا حمایت‌های قانون اساسی برای افراد LGBTQI اشاره دارد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم و اصطلاحات موجود به‌طور عمدی بازتعریف می‌شوند، تغییر می‌کنند و تقلید یا تحریف می‌شوند تا معنای غالب و زیربنای ایدئولوژیکی آن‌ها را تغییر دهند یا جایگزین کنند. در این مقاله، نمونه‌های مشخصی از «تصرف گفتمان» بررسی شده و راهبردهای گفتمانی، عملی و قانونی که فمینیست‌ها برای مقاومت در برابر واکنش منفی جنسیتی استفاده می‌کنند، ترسیم شده است.

با توجه به اهمیت این موضوع برای جامعه‌ی فارسی‌زبان، تصمیم به ترجمه‌ی این مقاله گرفتم. امیدوارم این ترجمه بتواند به درک بهتر این پدیده و یافتن راهکارهایی برای مقابله با آن کمک کند.

چکیده

در این مقاله، در پاسخ به درخواست‌های مکرر برای ارائه‌ی ابزارهای نظری و تحلیلی جدید که به ما در درک ماهیت سیاست‌های معاصر ضد فمینیستی و ضد دگرباشان جنسی کمک کنند، مفهوم «تصرف گفتمان» را مطرح می‌کنم. من بر این باورم که تصرف گفتمان، سازوکاری کلیدی برای واکنش‌های منفی است که با هدف‌گذاری، گستردگی و ماهیت پنهان خود شناخته می‌شود. تصرف گفتمان زمانی رخ می‌دهد که گفتمان‌های پیشرو برای خدمت به اهداف راست‌گرایان افراطی، مصادره و دستکاری می‌شوند. در این مقاله چهار شکل عملی تصرف گفتمان را تشریح می‌کنم: بازتعریف معنا، تغییر مسیر، تقلید و تحریف. در نهایت، در چارچوب راهبردهای موجود فمینیستی برای مقابله با واکنش‌های منفی، به بررسی اجزای احتمالی یک راهبرد مقابله با تصرف گفتمان می‌پردازم.

مقدمه

سیاست‌های امروزی با حمله‌ای سازمان‌یافته و مستند به فمینیسم و دموکراسی شناخته می‌شوند؛ حمله‌ای که اغلب نه تنها شامل «تصرف دولت» بلکه شامل «تصرف گفتمان» نیز می‌شود. منظور از «تصرف دولت»، سوءاستفاده‌ی شرکت‌ها یا افراد خصوصی از فرآیندهای دولتی برای منافع شخصی است. «تصرف گفتمان» نیز به معنای مصادره و تحریف گفتمان‌های مترقی برای پیشبرد اهداف راست‌گرایان است. به نظر من، «تصرف گفتمان» به‌ویژه در سیاست‌های «ضد جنسیتی» و ضد فمینیستی مشهود است، جایی که راست‌گرایان از زبان «حقوق» و «آزادی» که به‌طور سنتی با لیبرالیسم مرتبط است، برای تضعیف قوانین مترقی مانند حقوق سقط جنین یا حمایت‌های قانونی از جامعه‌ی LGBTQI استفاده می‌کنند.

جرقه‌ی علاقه‌ی من به مفهوم «تصرف گفتمان» چند سال پیش و مواجهه با دانشجویی خشمگین در دفترم زده شد. او سعی داشت منطق گروهی از فعالان ضد سقط جنین در آمریکا که خود را «فمینیست» می‌خواندند، درک کند. او به گروه فمینیست‌های موج نو با شعار «فمینیست‌های سرسخت، حامی زندگی»^۱ اشاره می‌کرد و آن‌ها را «گروهی ضد سقط جنین که از پوشش فمینیسم برای تبلیغات خود استفاده می‌کنند» توصیف کرد. هم‌زمان، رسانه‌های آفریقای جنوبی پر بود از گزارش‌هایی درباره‌ی «تصرف دولت». با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی، متوجه شباهت‌های چشمگیری بین آنچه در دوران ریاست جمهوری جیکوب زوما بر نهادهای سیاسی گذشت و آنچه در زمینه‌ی گفتمان، هم در آمریکا و هم در خارج از آن، رخ می‌داد، شدم.^۲

این مقاله به بررسی چند نمونه‌ی مشخص از تصرف گفتمان می‌پردازد و استدلال می‌کند که با افزایش نقش سیاست‌های فرهنگی در فرآیندهای سیاسی رسمی، ضرورت شناخت و مقابله با مصادره و تحریف زبان نیز بیشتر می‌شود. جنبش‌ها و ائتلاف‌های فمینیستی برای مقابله‌ی مؤثر با نیروهای پوپولیستی محافظه‌کار، باید تصرف گفتمان را در زمینه‌ی واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی شناسایی، افشا و خنثی کنند.

مفهوم تصرف دولت نخستین بار در سال ۲۰۰۰ در سندی از بانک جهانی به‌عنوان انحرافی در حکمرانی مطرح شد (Hellman *et al.* 2000) و سپس در آفریقای جنوبی توسعه یافت. تصرف دولت از لحاظ نیت و مقیاس با فساد متفاوت است. بهورات و همکاران (4, 2017) آن را «کودتای خاموش» و پروژه‌ای سیاسی برای از بین بردن سازوکارهای نظارتی حاکمیت قانون توصیف کرده‌اند. نیت و مقیاس واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی در دوران کنونی توسط پژوهشگران مختلفی بررسی شده است (Correa *et al.* 2018; Goetz 2020a) و این ویژگی‌ها، همراه با مفهوم «کودتای خاموش»، به تبیین مفهوم «تصرف گفتمان» کمک می‌کنند.

من در این مقاله پس از بررسی درک‌های رایج از واکنش‌های منفی، استدلال خود را برای تمرکز بر تصرف گفتمان مطرح می‌کنم. در ادامه، به معنای این مفهوم می‌پردازم، سازوکار آن را تشریح می‌کنم و آن را به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های اصلی در خود واکنش‌های منفی جای می‌دهم. سپس به بررسی نمونه‌های عملی تصرف گفتمان از طریق چهار روش - بازتعریف، تغییر مسیر، تقلید و تحریف - می‌پردازم و در پایان، به تأمل در مورد پیامدهای آن برای نظریه‌ی فمینیستی و سازماندهی جنبش‌های فمینیستی خواهیم پرداخت.

واکنش منفی جنسیتی

با وجود دستاوردهای چشمگیر در زمینه‌ی برابری جنسیتی از دهه‌ی ۱۹۸۰ (Goetz 2020a)، اکنون تغییرات بنیادینی که فمینیست‌ها برای دستیابی به عدالت جنسیتی بیشتر انتظار داشتند، در سطح بین‌المللی به‌شدت با مخالفت روبرو شده است (Goetz 2020a; Hemmings 2020). سیاست‌های ضدجنسیتی امروزی، که دستاوردهای فمینیستی را تهدید می‌کنند، در مناطق مختلفی ظهور کرده و در عین حال، به‌صورت فراملی نیز عمل می‌کنند (Correa *et al.* 2018; Goetz 2020a; Grzebalska and Pető 2018; Korolczuk 2015; Paternotte and Kuhar 2017). کوره‌دور (619, 2019) این «جنبش‌های ضدجنسیتی» را به‌عنوان پاسخی معرفت‌شناختی به «تلاش‌های فمینیستی و کوئیر برای گنجاندن درک‌های

جدید از جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسی در سیاست‌های بین‌المللی» توصیف می‌کند.

این اقدامات علیه عدالت جنسیتی با عنوان «واکنش منفی» شناخته می‌شوند. واکنش منفی، پاسخی است به چالش‌های واقعی یا تصویری که سلسله مراتب قدرت موجود را تهدید می‌کنند. فلود و همکاران (6, 2018) این واکنش را مقاومتی در برابر برابری جنسیتی می‌دانند که از دفاع از امتیازات ریشه می‌گیرد. «تمایل به بازگشت به جنبه‌هایی از گذشته‌ای ایده‌آل که در آن نابرابری‌های ساختاری عادی تلقی می‌شد» (همان) و استحقاق مردان بدون پرسش پذیرفته می‌شد، از ویژگی‌های بارز واکنش منفی است (Kimmel 2013). این حس «بازسازی» در سیاست‌های راست‌گرایان نقشی محوری داشته است. همان‌طور که گراف و همکاران (541, 2019) تأکید می‌کنند، «دشمنی با فمینیسم هم احساسی است که در قلب نظام ارزشی راست‌گرایان جای دارد و هم یک استراتژی سیاسی، بستری برای سازماندهی و جذب حمایت گسترده» از طریق سیاستی که بر ترویج «سنت» در برابر «برابری» تمرکز دارد (Heinrich Böll Foundation 2015, 7).

تصرف گفتمان

این مقاله در پاسخ به درخواست‌های متعدد برای ارائه‌ی ابزارهای نظری و تحلیلی جدید جهت درک بهتر ماهیت سیاست‌های ضد فمینیستی و ضد کوئیر امروزی نوشته شده است (Browne and Nash 2020; Piscopo and Walsh 2020; Verloo 2018). در این مقاله، مفهوم «تصرف گفتمان» را مطرح می‌کنم که معتقدم یکی از سازوکارهای اصلی واکنش‌های منفی جنسیتی در عصر حاضر است. «تصرف گفتمان» شامل بازتعریف، تغییر مسیر، تقلید یا تحریف آگاهانه‌ی مفاهیم و اصطلاحات رایج است، به گونه‌ای که معنای اصلی و مبانی ایدئولوژیک آن‌ها تغییر کرده یا جایگزین می‌شود. در نتیجه‌ی این تصرف، مفاهیمی مانند «فمینیسم» به آنچه کلی بین (176, 2007) «بازی منصفانه‌ی گفتمانی» می‌نامد، تبدیل می‌شوند؛ یعنی «نشانه‌های فرهنگی شناور... که از معنای سیاسی مشخص خود تهی شده و همواره

در معرض بازتعریف قرار دارند». نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی این پدیده را «تغییر چارچوب» می‌نامند، یعنی زمانی که مخالفان جنبه‌هایی از گفتمان یک جنبش را اقتباس کرده و در عین حال، هدف اصلی آن را منحرف می‌کنند^۲ (Burke and Bernstein 2014, 830) در نتیجه، جایگاه سیاسی فعالان جنبش دیگر در حوزه‌ی گفتمانی مرتبط، منسجم و مؤثر نخواهد بود.

با بررسی شیوه‌های گوناگون «تصرف گفتمان» در زمینه‌های مختلف و توسط بازیگران متنوع، امیدوارم به مجموعه تحقیقات رو به رشدی که به دنبال درک واکنش‌های منفی جنسیتی و یافتن راه‌های مقابله با آن است، کمک کنم. گوتز (2020a, 9) می‌نویسد که واکنش‌های منفی جنسیتی هم شامل «سیاست حفظ نابرابری جنسیتی» و هم شامل «تخریب سازوکارهای حمایتی از حقوق زنان» می‌شود. او مشخصاً به تخریب یا تغییر کاربری نهادهای رسمی مانند وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌های حقوق برابر و دفاتر مشاوره‌ی جنسیتی اشاره می‌کند. مفهوم «تصرف گفتمان» به تخریب سازوکارهای گفتمانی که برای حفاظت از حقوق زنان ایجاد شده‌اند، مرتبط است. این مفهوم از آثار اندیشمندانی مانند جین بثکه‌الشتاین (1982)، میشل فوکو (1991) و استوارت هال (2018/1992) الهام گرفته است که اهمیت گفتمان را به‌عنوان عرصه‌ای برای مبارزات سیاسی تشخیص می‌دهند.

گفتمان چیست و چگونه در عرصه‌ی سیاست عمل می‌کند؟

گفتمان، نحوه‌ی استفاده از زبان در زمینه‌های اجتماعی خاص است؛ «نظام اجتماعی تاریخی مشروط که دانش و معنا تولید می‌کند» (Adams 2017). گفتمان، موضوعات دانش را شکل می‌دهد و نه تنها نحوه‌ی عملی شدن ایده‌ها، بلکه کد/م ایده‌ها در گردش هستند را تعیین می‌کند. گفتمان با ایجاد سیستم‌های معنایی، سوژه‌ها را خلق می‌کند و آنچه را که ما به‌عنوان «حقیقت» (Weedon 1987, 113) و «امکان سیاسی» (Judge 2018, 5) درک می‌کنیم، تعریف می‌کند؛ آن‌ها رابطه‌ی بین زبان، نهادهای اجتماعی، سوژگی و قدرت را ساختار بندی می‌کنند (Weedon 1987, 113). اشکال قدرت از طریق عملکردهای گفتمانی اعمال می‌شوند که دانش در آن‌ها

تولید و (باز)تولید می‌شود (Young 1981, 48). روشی که گفتمان معنا را تثبیت می‌کند و به‌عنوان امری عینی و ثابت جلوه می‌کند، آن را در ایجاد، تداوم و فروپاشی سیستم‌های قدرت، نقشی محوری می‌بخشد (Gill 1995; Judge 2018). گفتمان از طریق تکرار و بازتولید در زمینه‌های گوناگون، معنا را در خود جای می‌دهد - «در نوشته‌های روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، هنرمندان و پژوهشگران، در نقاشی‌ها و اجراها، و تقریباً همیشه در قالب دیجیتال» (Martinsson 2020, 295). گفتمان «مجموعه‌ای از عملکردهای سیستماتیک است که موضوعات مورد بحث خود را شکل می‌دهد» (Foucault 1972, 49). گفتمان صرفاً به توصیف جهان نمی‌پردازد، بلکه آن را شکل می‌دهد (Judge 2018, 5). با ادغام شدن با سایر گفتمان‌های مشابه، به امری طبیعی و عادی تبدیل می‌شود (Butler 2004; Laclau and Mouffe 1985; Martinsson 2020). از طریق این فرآیند تکراری عادی‌سازی، گفتمان قدرت را اعمال کرده و به ابزاری برای کنترل و انضباط بدل می‌شود (Adams 2017). گفتمان تعیین می‌کند چه چیزهایی حذف شده و چه چیزهایی قابل بیان نیستند، و از این رو، از تحلیل گسترده‌تر قدرت جدا نیست (Hook 2001, 542). فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی و اینترنت باعث شده است که فرآیند عادی‌سازی گفتمان، بسیار سریع‌تر از گذشته انجام شود (Martinsson 2020).

تأثیرات مادی تصرف گفتمان

نکته‌ی کلیدی در درک سیاست «تصرف گفتمان»، توجه به اثرات مادی آن است. برای مثال، تعریف خانواده به‌عنوان یک ازدواج هسته‌ای، دگرجنس‌گرا و محدود، حوزه‌ی روابط صمیمانه‌ی هنجار تلقی‌شده را مشخص می‌کند. اگر اثر گفتمان‌ها «به گونه‌ای باشد که اندیشیدن خارج از آن‌ها تقریباً غیرممکن شود» (Young 1981, 48)، آنگاه به شکلی جهان‌شمول، خانواده‌ی اخلاقاً درست، به این شیوه‌ی محدود درک می‌شود (Berlant and Warner 1998, 548). این درک، علاوه بر اینکه با واقعیت همخوانی ندارد^۴، پیامدهای جدی برای قانون، سیاست‌های اجتماعی و شمول اجتماعی

دارد. به همین دلیل، هوک (2001) پیشنهاد می‌کند که گفتمان را نه صرفاً به‌عنوان زبان، بلکه به‌عنوان یک «رویداد» فعال در نظر بگیریم و بپرسیم چه جایگاه‌های سوژه‌ای در متون خاص امکان‌پذیر می‌شوند. همچنین می‌توانیم بپرسیم چه کسانی از این «رویداد» سود می‌برند؟ همان‌طور که کلی بین (185, 2007) می‌نویسد:

زبان پیامدهای ملموس به دنبال دارد، استدلال‌ها واقعیت‌های سیاسی را رقم می‌زنند... سرنوشت افراد، از زندگی و مرگ گرفته تا دسترسی به قدرت، حق ازدواج و امنیت محل زندگی، تا حد زیادی به زبانی که در موردشان به کار می‌رود و نحوه‌ی تعریف آن‌ها بستگی دارد... به‌عنوان مثال، بدون اصطلاح «خشونت خانگی»، پناهگاهی برای زنان وجود نخواهد داشت؛ بدون عبارت «آزار جنسی»، آموزش برابری جنسیتی معنایی ندارد.^۵

بنابراین، مسئله صرفاً بر سر کنترل گفتمان نیست.

در بخش پیشی رو، جایگاه «تصرف گفتمان» را در واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی مشخص کرده و چهار نوع یا دسته از این پدیده را تشریح می‌کنم.

تصرف گفتمان به‌عنوان سازوکاری برای واکنش منفی

در پژوهش‌های مربوط به واکنش منفی، بارها به مصادره و بازتعریف زبان، بازسازی مفاهیم مترقی و تصرف، تخریب یا انهدام آگاهانه‌ی چارچوب‌های خاص اشاره شده است؛ پدیده‌ای که گرزبالسکا و پتو (168, 2018) آن را «ربودن زبان و ساختار حقوق بشر» می‌نامند. این‌ها همگی به نوعی مصداق «تصرف گفتمان» هستند،^۶ اما مفهوم «تصرف گفتمان» با افزودن یک زاویه‌ی دید جدید، این اشکال گوناگون را به‌طور نظام‌مند به هم مرتبط کرده، این «کودتای خاموش» را آشکار می‌سازد و توجه ما را به قصد و ابعاد آن جلب می‌کند.

مفهوم «تصرف گفتمان» را با الهام از «تصرف دولت» و با توجه به پژوهش‌های معاصر درباره‌ی واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی، به‌ویژه دیدگاه فالودی و همکاران (2020) که واکنش منفی را ترکیبی از «حملات آشکار» و «افسانه‌سازی پنهانی» می‌دانند، مطرح کردم. تطبیق این دیدگاه دوگانه‌ی فالودی و همکاران (2020) با تعریف میشل فوکو از قدرت به‌عنوان نیرویی هم سرکوبگر (حملات آشکار) و هم

برسازنده یا عادی‌ساز (افسانه‌سازی)، به ما کمک می‌کند تا «تصرف گفتمان» را به‌عنوان نمود و شناسایی قدرت عادی‌ساز درک کنیم و احتمالاً آنچه را که تصرف شده، پس بگیریم.

همانند «کودتای خاموش» که از ویژگی‌های تصرف دولت است، «تصرف گفتمان» نیز تا حدودی با پنهان کردن اهداف خود عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد حمله‌ای غیرمستقیم است، چرا که به گفته‌ی فوکو، «موفقیت قدرت، متناسب با توانایی آن در پنهان کردن سازوکارهای خود است» (فوکو به نقل از Weedon 1987, 107). این یک پروژه‌ی سیاسی است که با هدف تضعیف و در نهایت، نابودی چارچوب‌های گفتمانی ضروری برای حقوق زنان طراحی شده است. مکاون (2020, 24) اشاره می‌کند که اتاق‌های فکر محافظه‌کار «حامی خانواده» در جنبش‌های ضدجنسیتی، به‌طور فعال در حال «توسعه و به‌کارگیری ابزارها و دانش‌های گفتمانی برای تضعیف و بی‌اعتبار کردن نظریه‌ها و فعالیت‌های فمینیستی و کوئیر» هستند. مفاهیم بنیادین ما از «آزادی»، «فمینیسم»، «جنسیت» و «خانواده»، همگی عرصه‌هایی برای منازعات سیاسی هستند.

تصرف گفتمان در عمل

در این بخش، چهار شکل مختلف «تصرف گفتمان» را که در سیاست‌های واکنش‌های منفی جنسیتی به کار گرفته می‌شوند، بررسی می‌کنم: بازتعریف، تغییر مسیر، تقلید و تحریف. این دسته‌بندی‌ها مطلق و جدا از هم نیستند و گاهی به‌صورت همزمان یا پی‌درپی رخ می‌دهند. به‌عنوان مثال، تغییر مسیر گفتمانی که در تلاش جنبش‌های ضد سقط‌جنین برای معرفی زنان به‌عنوان قربانیان نهادهای تسهیل‌کننده‌ی سقط‌جنین و جنین‌ها به‌عنوان زنان متولد نشده مشاهده می‌شود، امکان بازتعریف مفهوم «فمینیسم» را فراهم می‌کند. در این بازتعریف، فعالان ضد سقط‌جنین ادعا می‌کنند که با دفاع از حقوق زنان و فرزندان متولد نشده‌ی آن‌ها، فمینیست هستند.

بازتعریف معنا

شاید آشکارترین و مهم‌ترین نمونه از «تصرف گفتمان»، بازتعریف هدمند مفهوم «جنسیت» به‌عنوان یک ایدئولوژی، به‌جای یک مقوله‌ی تحلیلی باشد؛ به‌طوری که امروزه از سیاست‌های «ضد جنسیت» سخن می‌گوییم. در سال ۲۰۱۷، تندیس جودیت باتلر، به‌عنوان طراح مدعی ایدئولوژی جنسیتی، در تظاهرات همزمان با حضور او در برزیل برای رونمایی از کتابش به آتش کشیده شد (Jaschik 2017). باتلر (2019) آغاز این واکنش منفی خاص را به سال ۲۰۰۴ و نامه‌ای از شورای پاپی خانواده به اسقف‌های کلیسای کاتولیک مرتبط می‌داند که در آن، تهدید مفهوم جنسیت برای «ارزش‌های زنانه‌ی مورد احترام کلیسا» گوشزد شده بود. با این حال، ریشه‌های واکنش منفی جنسیتی را می‌توان به عقب‌تر، یعنی کنفرانس‌های جهانی سازمان ملل متحد در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، ردیابی کرد. در این کنفرانس‌ها، جنبش‌های فمینیستی و LGBTQI دستاوردهای مهمی در زمینه‌ی جنسیت، حقوق باروری و جریان‌سازی جنسیتی کسب کردند (Buss 1998; Case 2019; Corredor 2019). اصطلاح «ایدئولوژی جنسیتی» در این زمینه به‌عنوان ابزاری بلاغی توسط واتیکان به منظور «مقابله با تلاش‌های فمینیستی و کوئیر برای وارد کردن درک‌های جدید از جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسی در سیاست‌های بین‌المللی» مطرح شد (Corredor 2019, 616–19). پژوهشگران، «ایدئولوژی جنسیتی» را به‌عنوان «چسب نمادین» برای پوپولیسم، ملی‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی در مخالفت با حقوق باروری، حقوق اقلیت‌های جنسی، مطالعات جنسیتی و جریان‌سازی جنسیتی شناسایی کرده‌اند (Grzebalska and Pető 2018, 165).

سیاست‌های پدرسالارانه‌ی نهفته در این اصطلاح، در تلاش است تا سازماندهی قدرت اجتماعی را بر مبنای جنسیت بیولوژیکی، به‌عنوان نتیجه‌ای از نیروهای طبیعی، مجدداً تثبیت کند (Weedon 1987, 123)؛ و در این چارچوب، تعریف «عادی» از زنانگی و مردانگی، ثابت و غیرقابل تغییر است (Weedon 1987, 126). این ایده که ویژگی‌های مردانه و زنانه، ساخته‌های اجتماعی هستند و بنابراین، قابلیت تغییر دارند، و همچنین وجود اشکال گوناگون هویت جنسیتی، تمایزات سلسله مراتبی بین مرد و

زن را تضعیف می‌کند (Butler 2019). بنابراین، «ذات‌باوری جنسی» که توسط فعالان واکنش‌های منفی در کلیسای کاتولیک ترویج می‌شود، در تلاش است تا جنسیت را به‌عنوان امری ثابت، فراتاریخی و بدون تاریخچه یا عوامل اجتماعی (Rubin 1997, 105) معرفی کند، تا از این طریق، «وضعیت موجود دگرجنس‌سالارانه را حفظ و احیا کند» (Piscopo and Walsh 2020, 268).

همانطور که جودیت باتلر در مصاحبه‌ای با برونو (2019) استدلال می‌کند: چیزی به نام ایدئولوژی جنسیتی وجود ندارد، زیرا این اصطلاح القا می‌کند که مجموعه‌ای واحد از باورها یا یک نظریه‌ی ثابت در این زمینه وجود دارد. در واقع، ما با دنیای پیچیده‌ای از مطالعات جنسیتی مواجه هستیم که رویکردها و قالب‌های آکادمیک متنوعی را دربر می‌گیرد. این حوزه، عرصه‌ای پویا در مطالعات آکادمیک است، به این معنا که پژوهشگران در مورد پیش‌فرض‌ها، اهداف و تعاریف آن بحث می‌کنند... این حوزه، واقعیت‌های مادی را انکار نمی‌کند، بلکه به این پرسش می‌پردازد که چگونه این واقعیت‌ها، معنای کنونی خود را کسب کرده‌اند. اصطلاح «ایدئولوژی جنسیتی» این تصور را ایجاد می‌کند که با نظریه‌ای یکپارچه و با هدف تحریف واقعیت روبرو هستیم. اما در واقع، هدف این حوزه، درک واقعیت‌های مربوط به بدن، گرایش جنسی، خانواده، خویشاوندی، تولیدمثل، نابرابری، آزادی، عدالت، مردانگی و زنانگی و اشکال گوناگون زندگی جنسیتی است که تاکنون به‌درستی درک نشده‌اند. در واقع، این حوزه به دنبال ارائه‌ی دانشی مبتنی بر واقعیت، به جای تعصبات است.

تصورسازی جنسیت به‌عنوان یک ایدئولوژی، ارتباط تنگاتنگی با حملات مکرر به برنامه‌های مطالعات جنسیتی دارد. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر راست افراطی مجارستان، در سال ۲۰۱۸ برنامه‌های مطالعات جنسیتی را در دانشگاه‌های این کشور ممنوع کرد. ژولت سمجن، معاون نخست‌وزیر، استدلال کرد که مطالعات جنسیتی «یک ایدئولوژی است، نه یک علم» (Oppenheim 2018). همینگز (2020) اشاره می‌کند که در سال‌های اخیر، مطالعات جنسیتی به‌عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی، با حملات مداومی مواجه بوده است. از جمله‌ی این حملات، می‌توان به اقدام قانونی برای ممنوعیت «مطالعات هویت جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها» در رومانی و تلاش برای بمب‌گذاری

در دبیرخانه‌ی ملی تحقیقات جنسیتی دانشگاه گوتنبرگ اشاره کرد (Hemmings 2020).

شکل دقیق گفتمان «ضد جنسیت» در زمینه‌های مختلف، نمودهای متفاوتی دارد. مارتینسون (2020) اشاره می‌کند که در سوئد، جایی که سکولاریسم بخش مهمی از هویت ملی را تشکیل می‌دهد، مطالعات جنسیتی به‌صورت گفتمانی به‌عنوان یک مذهب معرفی می‌شود. این امر با زمینه‌های دیگر که در آن‌ها فعالان ضد جنسیت با سازمان‌های مذهبی محافظه‌کار مرتبط هستند، تفاوت چشمگیری دارد. مارتینسون در مورد جنبه‌های احساسی گفتمان ضد جنسیت در سطح جهانی و نحوه‌ی ایجاد ترس توسط آن سخن می‌گوید. او دو نوع از این گفتمان را در سوئد شناسایی می‌کند: نخست، گفتمانی که مطالعات جنسیتی را با ایدئولوژی پیوند داده و آن را به‌عنوان «حکومتی سیاسی، غیرعلمی و جزم‌اندیشانه» معرفی می‌کند، که نمونه‌ی آن مقاله‌ای از ایوار آرپی با عنوان «شست‌وشوی مغزی سوئد ادامه دارد» است؛ و دوم، گفتمانی که مطالعات جنسیتی را به‌عنوان یک مذهب معرفی می‌کند (Martinson 2020, 295). مارتینسون هر دوی این گفتمان‌ها را تهدیدی برای «ارزش‌های بنیادین سوئدی، یعنی مدرنیته، عقلانیت و آزادی» (همان) می‌داند. در نتیجه، مطالعات جنسیتی به‌عنوان تهدیدی برای عقلانیت و آزادی (Martinson 2020, 296) و در نهایت، به‌عنوان امری ضد سوئدی معرفی می‌شود.

بازتعریف نظریه‌ی جنسیت به‌عنوان یک ایدئولوژی و حملات مرتبط با آن به مطالعات جنسیتی، هدف و گستره‌ی «تصرف گفتمان» را آشکار می‌سازد. پژوهشگران به موفقیت «اتحاد نامقدس» (Cupać and Ebetürk 2020, 703) که توسط واتیکان به‌منظور بی‌اعتبارکردن تفکر فمینیستی شکل گرفت و اکنون به گروهی سازمان‌یافته با حضور بازیگران متعدد و متنوع تبدیل شده است (Goetz 2020b, 165)، اشاره کرده‌اند. فعالیت این گروه از طریق کانال‌هایی که به‌طور مستقیم سیاسی تلقی نمی‌شوند، ماهیت «کودتای خاموش» آن را نشان می‌دهد.

تغییر مسیر

نمونه‌ی فمینیسم حامی زندگی که در مقدمه‌ی این مقاله مطرح شد، نوعی «تصرف گفتمان» را نشان می‌دهد که من آن را «تغییر مسیر» می‌نامم. حرکت‌های گفتمانی این جنبش ضد سقط‌جنین، در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه در ایالات متحده و ایرلند، مورد بررسی قرار گرفته است. هلوا-نویباور و زیگلر (2010) تحلیل جالبی از نحوه‌ی تغییر چارچوب مسئله‌ی سقط‌جنین توسط نیروهای ضد سقط‌جنین ارائه می‌دهند. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه این نیروها، چارچوب بحث را از تقابل حقوق جنین با حقوق مادر، به تأکید بر پیوند میان زن و «کودک» تغییر داده‌اند. این تغییر مسیر بلاغی، ادعای اصلی فعالان طرفدار حق انتخاب که جنین را انسان نمی‌دانند، هدف قرار می‌دهد. این تغییر مسیر، همچنین به یک معترض ضد سقط‌جنین در ایالات متحده امکان می‌دهد خود را «فمینیستی واقعی» بنامد که برای حقوق «زنان متولد نشده» مبارزه می‌کند؛ نوعی بازتعریف از «فمینیسم» که به واسطه‌ی این تغییر مسیر گفتمانی امکان‌پذیر شده است.

به‌طور مشابه، کمپین «رای منفی» در همه‌پرسی سقط‌جنین سال ۲۰۱۸ از مردم ایرلند خواست تا «هر دو را دوست داشته باشند»، یعنی هم مادر و هم «جنین متولد نشده». کات براون و کاترین نش این کمپین را به‌عنوان نمونه‌ای از «فعالیت دگرجنس‌گرا» تحلیل می‌کنند؛ اصطلاحی که به گفته‌ی آن‌ها، «مقوله‌ای تحلیلی است که به بررسی مقاومت‌ها در برابر حقوق جنسی و جنسیتی می‌پردازد و هدف آن، تأکید مجدد بر جایگاه خانواده‌ی دگرجنس‌گرای هنجار (هم از نظر هنجارهای جنسیتی و هم از نظر دگرجنس‌گرایی)» است (2020, 51). آن‌ها در تحلیل خود نشان می‌دهند که چگونه پیام‌های ضد سقط‌جنین، از ممنوعیت مطلق سقط‌جنین، به سمت محدود کردن آن تغییر مسیر داده است. همچنین، در واکنش به شکست پیام‌های شرم‌آور و مذهبی پیشین، از گفتمان‌های همدلانه و زن‌محور استفاده کرده‌اند.

تقلید/مصادره

شکل سوم «تصرف گفتمان»، تقلید یا مصادره است. جنبش فرانسوی «لا مانیف پور توس»^۷ (تظاهرات برای همه)، که برای مخالفت با لایحه‌ی ازدواج همجنس‌گرایان در فرانسه شکل گرفت (لایحه‌ای که در ماه مه ۲۰۱۳ به تصویب رسید) و بعداً دامنه‌ی فعالیت خود را به دفاع از «خانواده‌ی سنتی» گسترش داد، نمونه‌ای بارز از تقلید است. دو نمود آشکار از «تصرف گفتمان» در نام این جنبش دیده می‌شود: «لا مانیف پور توس». اصطلاح لا مانیف (تظاهرات) به معنای اعتراض است و به‌طور سنتی، ارتباطی قوی با جریان چپ در فرانسه دارد (Stille 2014). جنبش «لا مانیف پور توس» نه تنها اصطلاح مانیف را مصادره کرد، بلکه از زبان خود لایحه‌ی ازدواج همجنس‌گرایان، یعنی «لو ماریاژ پور توس» (ازدواج برای همه) نیز استفاده کرد (ibid.).

در اوگاندا، سازمانی که رهبری کمپین لایحه‌ی ضد همجنس‌گرایی را بر عهده داشت و در فوریه‌ی ۲۰۱۴ به قانون تبدیل شد،^۸ «ائتلاف رنگین‌کمانی بین ادیان علیه همجنس‌گرایی» نامیده می‌شود که آشکارا از نماد رنگین‌کمان جنبش LGBTQI استفاده می‌کند. نمونه‌های تقلید در استفاده از نمادهای بصری که به شکل‌گیری فضای گفتمانی کمک می‌کنند نیز رایج است. لا ماریا ورده^۹ یا موج سبز، یک جنبش فراملی طرفدار حق انتخاب است که در سال ۲۰۱۸ در آرژانتین برای حمایت از لایحه‌ای به منظور جرم‌زدایی از سقط‌جنین شکل گرفت. نماد اصلی این جنبش، یعنی پاینوئلو ورده^{۱۰} (روسری سبز)، توسط جنبش مخالف لا اولاسلسته^{۱۱} یا «موج آبی» مصادره شد. این جنبش مخالف، برای معرفی خود، از روسری آبی روشن استفاده کرد.

تحریف/تغییر کاربری

تحریف یا تغییر کاربری آخرین شکل از «تصرف گفتمان» است که در برخی ادعاهای ضدجنسیتی مربوط به حقوق، مشهود است. به‌عنوان مثال، پاپ فرانسیس بارها ترویج سیاست‌های برابری جنسیتی توسط سازمان‌های امدادسانی را با لحنی تحقیرآمیز، «استعمار ایدئولوژیک» خوانده است (Korolczuk and Graff 2018, 797). در نمونه‌ای دیگر، تصویری خبری از تظاهرات ضد همجنس‌گرایان در

کوالالامپور مالزی در سال ۲۰۱۱، معترضی را نشان می‌دهد که پلاکاردی با این عبارت در دست دارد: «به حقوق اساسی انسانی ما به‌عنوان مسلمان در این کشور احترام بگذارید» (Tejas 2015). این درخواست، زبانی را که در دفاع از حقوق همجنس‌گرایان به کار می‌رود، به‌طور کامل وارونه و آن را تحریف می‌کند. این معترضان ادعا می‌کنند که نه حقوق همجنس‌گرایان، بلکه حقوق مسلمانان است که باید در برابر تهدید حقوق همجنس‌گرایان محافظت شود. کوهار و پاترنوت (2017, 14) این پدیده را «وارونه‌سازی قربانی-جنایتکار» می‌نامند، که در آن، «یک گروه اجتماعی از جایگاه قربانی (مثلاً عدم به رسمیت شناختن مشارکت‌های همجنس) به جایگاه جنایتکار (ازدواج همجنس‌گرایان، خانواده را نابود می‌کند) منتقل می‌شود».

این تحریف در ارتباط با ادعاهای حقوقی، بازتابی از همان روندی است که در کمپین‌های ضد سقط‌جنین، پس از تغییر مسیر گفتمانی که پیش‌تر در این مقاله شرح داده شد، مشاهده می‌کنیم. ابتدا، فعالان ضد سقط‌جنین پس از آنکه جنین‌ها را به‌عنوان انسان و «موجوداتی اخلاقی و سیاسی» (Heinrich Böll Foundation 2015, 169) معرفی کردند، حقوق بشر را به آن‌ها تعمیم می‌دهند و از این طریق، حقوق باروری زنان زنده را تضعیف می‌کنند (ibid.). دوم، تغییر مسیر به شعار «هر دو را دوست داشته باشید»، که در ایالات متحده و ایرلند مستند شده است (Browne 2010; Halva-Neubauer and Zeigler 2020; Nash 2020)، زنان را به‌عنوان قربانیان سیستم‌های قانونی و پزشکی مجازکننده‌ی سقط‌جنین معرفی می‌کند. این چارچوب حمایتی ظاهراً زن‌محور است، سپس به‌عنوان فمینیستی مطرح می‌شود.

این تحریف یا تغییر کاربری چارچوب‌های حقوقی، بخشی از نبرد گسترده‌تر برای کنترل نمادین گفتمان حقوق بشر و همزمان، شیطان‌سازی و تصرف سیاست‌های برابری است (Gzrebalska and Petó 2018). مانیفست جنبش ضد سقط‌جنین اروپا، موسوم به «دستور کار اروپا»، به‌صراحت به قصد استراتژیک برای استعمار حقوق بشر اشاره می‌کند. منظور آن‌ها از این استعمار، بازتعریف مواضع مذهبی محافظه‌کارانه‌ی خود در زمینه‌ی جنسیت و تولیدمثل، با استفاده از زبان حقوق بشر است. آن‌ها خود را قربانیانی معرفی می‌کنند که در برابر «انقلابیون فرهنگی»، از ایمان خود دفاع می‌کنند (Datta 2018, 15; Graff et al. 2019, 543).

نمونه‌ی دیگری از تحریف یا تغییر کاربری، در معرفی مدافعان ضد جنسیت به‌عنوان ضد استعمارگر مشهود است، که کورولچوک و گراف (2018, 800) آن را «ساختار گفتمانی کلیدی ضد جنسیت» می‌نامند. استدلال‌های ضد جنسیت، هم «جنسیت» و هم همجنس‌گرایی را به‌عنوان تحمیل‌های نواستعمارگرایانه‌ی معرفی می‌کنند (Kaoma 2012). کورئا (2017) این ادعا را، در بهترین حالت، ریاکارانه می‌داند، زیرا این گروه از فعالان، در سایر زمینه‌ها، هیچ علاقه‌ای به سیاست‌های ضد نژادپرستی یا استعمارزدایی نشان نمی‌دهند. این دیدگاه توسط پژوهشگران دیگری نیز تأیید می‌شود که «خانواده»ی هسته‌ای و دگرجنس‌گرا را که اکنون توسط جنبش ضد جنسیت بازتعریف می‌شود، به‌عنوان یکی از سازوکارهای اصلی سلطه‌ی استعماری معرفی می‌کنند (McEwen 2020, 17).

این برای فمینیست‌ها چه معنایی دارد؟

پژوهش‌های مربوط به راهکارهای مقابله با واکنش‌های منفی، همچنان در مراحل اولیه قرار دارند (AWID 2021; Davies and Sweetman 2018; Flood et al. 2018; Marler et al. 2018)؛ و لازم است تلاش‌های بیشتری در این زمینه صورت پذیرد.

مکاوان (2010, 10) معتقد است که تلاش‌های سیاسی و معرفت‌شناختی ما در مقابله با واکنش‌های منفی جنسیتی، از تثبیت مجدد دوگانگی جنسیتی به‌عنوان هنجار جلوگیری کرده، تخیلات اجتماعی را فراتر از این دوگانگی گسترش داده و سیاست‌های مبتنی بر اخلاق را در درک ما از جنسیت و گرایش جنسی، به حاشیه می‌راند. سوزان فالودی استدلال می‌کند که بهترین راه برای عبور از دوران واکنش‌های منفی، «درک این پدیده است؛ به این معنا که با تاباندن نورافکنی بر منطق سست و داده‌های نادرست مروجان این واکنش‌ها، سیل ادعاها و افسانه‌های بی‌اساس آن‌ها را به چالش بکشیم» (Faludi et al. 2020, 341). دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و فعالان به این فراخوان پاسخ مثبت داده‌اند و مجموعه آثار غنی (و رو به رشدی) در حال شکل‌گیری است که به مستندسازی واکنش‌های منفی (که در این مقاله از آن‌ها استفاده کرده‌ام) و همچنین

ساختارهای حمایتی نهادی و مالی آن‌ها می‌پردازد (Datta 2021). با این حال، همچنان به پژوهش‌های زمینه‌ای و دقیق در مناطق جغرافیایی گوناگون نیاز است تا توجه‌ها به واکنش‌های منفی جنسیتی جلب شده و افسانه‌ها و «واقعیت‌های جایگزین» (Kuhar and Zolbec 2017, 44) آشکار و بی‌اعتبار شوند.

با توجه به هدف و گستردگی‌ای که به عقیده‌ی من، در پس تصرف گفتمان ضدجنسیتی نهفته است، نیاز فوری به راهبردهای پیشگیرانه و نظام‌مند فمینیستی برای مقابله با آن داریم. راهبردهای فمینیستی برای مقابله با واکنش‌های منفی، به‌طور کلی در سه دسته قرار می‌گیرند: گفتمانی، عملی و قانونی. در این میان، تمرکز اصلی من بر راهبردهای گفتمانی است، به‌ویژه بر اینکه یک راهبرد مقابله با تصرف گفتمان چه مؤلفه‌هایی می‌تواند داشته باشد. از آنجا که تصرف گفتمان تنها به حوزه‌ی گفتمان محدود نمی‌شود و اثرات مادی قابل‌توجهی دارد، مقابله با آن نیز نباید صرفاً به حوزه‌ی گفتمان محدود شود. در بخش‌های پیش رو، برخی از راهبردهای موجود گفتمانی، عملی و قانونی برای مقابله با واکنش‌های منفی، تشریح و نمونه‌هایی از آن‌ها ارائه می‌شود.

راهبردهای گفتمانی

میشل فوکو تأکید می‌کند که هر جا قدرت هست، مقاومت هم وجود دارد. او در مورد گفتمان، به‌طور خاص می‌نویسد: «گفتمان هم قدرت را منتقل و تولید می‌کند، هم آن را تقویت می‌کند، و هم آن را تضعیف و آشکار می‌سازد، آن را آسیب‌پذیر کرده و امکان خنثی کردن آن را فراهم می‌کند» (Foucault 1981, 101). پژوهش‌های فوکو حوزه‌های گوناگونی را شناسایی می‌کند که در عادی‌سازی گفتمان نقش دارند (Foucault 1981) و در هر یک از این حوزه‌ها، امکان معکوس کردن گفتمان و «بازتعریف هنجار» وجود دارد (Feder 2014, 64). این امر برای فمینیست‌ها به این معناست که «تصرف گفتمان» پدیده‌ای ایستا نیست و می‌توان آن را پس گرفت.

خود اصطلاح «تصرف گفتمان» را می‌توان به‌عنوان گامی نخستین در جهت شناسایی و مقابله با این پدیده در نظر گرفت. این اصطلاح، سایر فمینیست‌ها را دعوت

می‌کند تا با مستندسازی، چارچوب‌بندی و مقاومت خلاقانه، در شناسایی، برجسته‌سازی و معکوس‌سازی موارد «تصرف‌گفتمان» مشارکت کنند.

پیش‌تر اشاره کردم که مجموعه آثار غنی و روبه‌رشدی در حال شکل‌گیری است که واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی را مستند می‌سازد.

گزارش «خانواده‌ها در دنیایی در حال تغییر» زنان سازمان ملل متحد، با عنوان «پیشرفت زنان جهان»، نمونه‌ای از استراتژی‌های چارچوب‌بندی فمینیستی است. این گزارش، تلاشی آگاهانه در جهت مقابله با فعالان ضد جنسیت است که مفهوم «خانواده» را به خانواده‌ی هسته‌ای و دگرجنس‌گرا محدود می‌کنند. در واکنش مستقیم به این دیدگاه «محدودکننده‌ی جنسیتی» (Sentiido 2021, 14)، گزارش سازمان ملل متحد، تنوع موجود در ساختارهای خانواده را به رسمیت می‌شناسد و تأکید می‌کند که «نه تنها در حال حاضر، بلکه در هیچ دوره‌ای از تاریخ، شکل "استانداردی" برای خانواده وجود نداشته است» (UN Women 2019, 16).

مقاومت خلاقانه، سومین استراتژی گفتمانی است. هنرمندان و فعالان خلاق می‌توانند نقش مهمی در راهبردهای مقابله با واکنش‌های منفی ایفا کنند، به‌ویژه در بیان و ترویج دیدگاه‌های کوئیر و فمینیستی. در سال ۲۰۱۶، گروه هنری «آرت اتک»^{۱۲} در نایروبی، موزیک ویدیوی «عشق یکسان»^{۱۳} را در حمایت از حقوق همجنس‌گرایان منتشر کرد. با وجود ممنوعیت این ویدیو توسط هیئت رده‌بندی فیلم کنیا، آن‌ها نتوانستند این ممنوعیت را به یوتیوب تعمیم دهند (Marler et al. 2018). اخیراً در مکزیک، گروه «کاتولیک‌ها برای حق تصمیم‌گیری»^{۱۴} انیمیشن «کاتولیک‌داس»^{۱۵} را با هدف تشویق جوانان به تفکر و بحث در مورد مسائل چالش‌برانگیزی مانند سقط‌جنین و همجنس‌گرایی تولید کردند. (AWID 2021)

راهبردهای عملی

راهبردهای عملی مانند اعتراضات، ارائه‌ی خدمات و ایجاد ائتلاف‌ها/فعالیت‌های بین جنبشی، می‌توانند از راهبردهای گفتمانی در مقابله با واکنش‌های منفی جنسیتی پشتیبانی کنند. اعتصاب زنان در لهستان،^{۱۶} که در مخالفت با ممنوعیت سقط‌جنین

صورت گرفت، نمونه‌ای بارز از اعتراضات است. در کنیا، خط تلفن «خاله جین»^{۱۷} اطلاعات ایمن مربوط به سلامت جنسی و باروری را در اختیار زنان قرار می‌دهد. شبکه‌ی ملی پژوهشگران فمینیست در برزیل، (مراکز مطالعات و تحقیقات در زمینه‌ی زنان، جنسیت و گرایش‌های جنسی)^{۱۸}، نمونه‌ای موفق از ایجاد ائتلاف یا فعالیت‌های بین جنبشی است، همانطور که فعالیت‌های بنیاد «دیگر»^{۱۹} در آفریقای جنوبی برای بازپس‌گیری صدای افراد LGBTI در فضای کلیساهای آفریقایی قابل‌توجه است. نمونه‌ی نهایی فعالیت‌های بین جنبشی، تدوین اصول نایروبی در سال ۲۰۱۸ است که در آن، فعالان حقوق معلولان و حقوق سقط‌جنین، دستور کاری مشترک در زمینه‌ی سلامت و حقوق جنسی و باروری تدوین کردند (AWID 2021, 70).

راهبردهای قانونی

راهبردهای قانونی، آخرین دسته از راهکارهای فمینیستی برای مقابله با واکنش‌های منفی را تشکیل می‌دهند. فعالیت‌های مؤسسه‌ی موساوا^{۲۰} با کمیته‌ی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد^{۲۱} در حمایت از زنان و دختران از طریق اصلاح قوانین خانواده‌ی مسلمان، نمونه‌ای بارز از این رویکرد است (AWID 2021, 53).

مقابله با تصرف گفتمان

راهبردهای گفتمانی مستندسازی، چارچوب‌بندی و مقاومت خلاقانه، همگی در تلاش برای مقابله با «تصرف گفتمان» ضدجنسیتی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از میان راهبردهای عملی و قانونی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، ائتلاف‌سازی یا فعالیت‌های بین جنبشی، از فوری‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. این موضوعی است که پژوهشگران و فعالان کوئیر و فمینیست، مدت‌هاست بر آن تأکید دارند: «باید فعالیت‌های سیاسی خود را با این آگاهی آغاز کنیم که نظام‌های متعددی از سرکوب در حال فعالیت هستند» (Cohen 1997, 458) و «دیدگاهی چندنژادی و چندجنسیتی از حقوق جنسی و بدنی ایجاد کنیم که فمینیسم در مرکز آن قرار داشته

باشد» (Petchesky 2005, 315)^{۲۲}. فوریت این امر در این زمینه، به نیاز ما برای بیان روشن و منسجم یک جهان‌بینی مشترک بازمی‌گردد، جهان‌بینی‌ای که توانایی مقابله با چارچوب‌بندی‌های «محدودکننده‌ی جنسیتی» فعالان ضدجنسیتی را داشته باشد (ECFG and GPP 2021). این امر، هم یک راهبرد عملی و هم یک راهبرد گفتمانی به شمار می‌رود. همان‌طور که کیس استدلال می‌کند، «باید همزمان تلاش کنیم تا از جبهه‌ی متحد جدید مخالفان خود الگوبرداری کنیم و هم، عمیق‌تر از آن، همان چیزی باشیم که آن‌ها از آن هراس دارند. تنها از این طریق می‌توانیم تحولی را که جنبش‌های حقوق فردی ما آغاز کرده‌اند، به سرانجام برسانیم» (2019, 660). همان‌طور که فعالان ضدجنسیتی برای ایجاد همبستگی تلاش می‌کنند، ما نیز باید راهی برای شناسایی تفاوت‌ها و در عین حال، مقابله با تفرقه‌افکنی پیدا کنیم؛ باید به‌طور انتقادی در مورد نقش خود در پیشبرد حقوق جنسی و جنسیتی بیندیشیم و به‌ویژه، به این موضوع توجه کنیم که در چه زمینه‌هایی ممکن است ناخواسته در حمایت از واکنش‌های منفی، سهیم باشیم.

نتیجه‌گیری

در ابتدای این مقاله، استدلال کردم که مفهوم «تصرف دولت» به من کمک کرد تا ویژگی‌های «تصرف گفتمان» را بهتر درک و شناسایی کنم - هدف و گستردگی آن، پتانسیل آن برای عمل به‌عنوان یک «کودتای خاموش» و تهدیدی که برای نهادهای دموکراتیک ایجاد می‌کند. در نهایت، همان‌طور که آن ماری گوتز (2020a, 13) اشاره می‌کند، نابرابری جنسیتی یک انتخاب است و حفظ آن، یک «پروژه‌ی فعال» است (همان، ۱۴). فعالان ضدجنسیت، این نابرابری را نه به‌عنوان یک نظام که به‌طور سیستماتیک به نفع مردان در برابر زنان است، بلکه به‌عنوان یک «واقعیت زندگی» معرفی می‌کنند (Hemmings 2020, 13). همین منطق در مورد برتری سفیدپوستان نسبت به سیاه‌پوستان، سپس‌چندرها نسبت به ترنس‌ها و دگرجنس‌گرایان نسبت به کوئیرها نیز صدق می‌کند. یکی از وظایف اصلی ما به‌عنوان فمینیست، شناسایی و معکوس کردن گفتمانی است که این نابرابری‌ها را عادی جلوه

می‌دهد. این مقاله، مفهوم «تصرف گفتمان» را به‌عنوان ابزاری بالقوه برای تحقق این هدف ارائه می‌دهد.

من «تصرف گفتمان» را به‌عنوان سازوکاری محوری در واکنش‌های منفی به برابری جنسیتی معرفی کرده و چهار شکل آن را شرح دادم: بازتعریف، تغییر مسیر، تقلید و تحریف. این اشکال ممکن است همپوشانی داشته باشند و گاهی به‌صورت هم‌افزا عمل کنند، مانند آنچه در بسیج گروه‌های ضد سقط‌جنین مشاهده می‌شود. «تصرف گفتمان» به ما امکان می‌دهد تا با استفاده از یک زاویه‌ی دید جدید، این اشکال گوناگون را به‌طور نظام‌مند به هم مرتبط کنیم، این «کودتای خاموش» را آشکار ساخته و توجهات را به هدف و گستردگی آن جلب نماییم.

فمینیست‌ها با استفاده از مجموعه‌ای از راهبردهای گفتمانی، عملی و حقوقی، فعالانه در برابر واکنش‌های منفی به حقوق زنان ایستادگی می‌کنند. در این متن، علاوه بر مستندسازی، چارچوب‌بندی و مقاومت خلاقانه که به‌عنوان راهبردهای گفتمانی کلیدی برای مقابله با این پدیده مطرح کردم، بر اهمیت راهبرد عملی ایجاد ائتلاف و فعالیت‌های بین‌جنبشی تأکید می‌کنم. این رویکرد عملی، نیازمند توجه و تلاش مداوم است و در کنار آن، تدوین مشترک یک جهان‌بینی حامی برابری جنسیتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منبع:

Lewin, T. (2021). Nothing is as it seems: 'discourse capture' and backlash politics. *Gender & Development*, 29(2-3), 253-268. <https://doi.org/10.1080/13552074.2021.1977047>

^۱ من مدیون امیلی اوهارا هستم که تفکرات من را در این مسیر آغاز کرد.

^۲ در سال ۲۰۱۶، اصطلاح «تصرف دولت» در آفریقای جنوبی، زمانی که مشخص شد برادران گوپتا تا چه میزان در دولت زوما نفوذ کرده و آن را دستکاری می‌کردند، به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت، (برای اطلاعات بیشتر به آرون، ۲۰۱۹ مراجعه کنید).

^۳ تحقیق بورک و برنشتاین (2014) به بررسی تغییر چارچوب در سیاست‌های کوئیر در ایالت ورمونت می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه یک گفتمان رادیکال به تدریج قدرت و نفوذ خود را در عرصه‌ی گفتمان از دست می‌دهد.

^۴ طبق گزارش سازمان ملل متحد زنان (2019)، تنها یک سوم از کل خانوارها شامل یک زوج و فرزندان هستند.

^۵ زبان نژادپرستانه، علاوه بر موارد ذکر شده، اثرات و پیامدهای مشخصی بر زندگی سیاه‌پوستان، بومیان و افراد رنگین‌پوست در تمامی این حوزه‌ها دارد.

^۶ با توجه به پژوهش بهورات و همکاران (4, 2017) در زمینه‌ی تصرف دولت.

^۷ La Manif pour Tous

^۸ در تاریخ ۱ اوت ۲۰۱۴، دادگاه عالی اوگاندا اعلام کرد که لایحه‌ی مذکور بدون رعایت حد نصاب قانونی در پارلمان به تصویب رسیده و در نتیجه، فاقد اعتبار است (van Klinken and Zebracki 2016).

^۹ La Marea Verde

^{۱۰} Pañuelo verde

^{۱۱} La Ola Celeste

^{۱۲} Art Attack

^{۱۳} Same Love

^{۱۴} Catholics for the Right to Decide

^{۱۵} Catolicadas

^{۱۶} بی‌بی‌سی نیوز (۲۸ اکتبر ۲۰۲۰) «حکم سقط جنین در لهستان باعث "اعتصاب زنان" شد».

www.bbc.co.uk/news/world-europe-54716780 (آخرین بازدید ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱).

^{۱۷} See Marler *et al.* (2018, 519).

^{۱۸} Núcleos de Estudos e Pesquisas em Mulheres, Gênero e Sexualidades

همکاران ما در مرکز NEIM واقع در دانشگاه فدرال باهیا، برزیل (مرکز مطالعات بین رشته‌ای زنان)، در تاریخ ۲۱ مه ۲۰۲۱، میزبان نشست ملی گروه‌های تحقیقاتی در زمینه‌ی جنسیت و گرایش جنسی بودند. در این نشست، بیش از ۱۰۰ گروه از سراسر برزیل گرد هم آمدند تا راهکارها و استراتژی‌های جمعی برای مقابله با واکنش‌های منفی را بررسی کنند. در نهایت، یک شبکه‌ی ملی در این زمینه تشکیل شد.

^{۱۹} بنیاد دیگر (۲۰۱۹) «استابانی‌اسیون - مقاله‌ای از بحث در مورد مختل کردن واکنش منفی با بازپس‌گیری صدای LGBTI در چشم‌انداز کلیسای آفریقا».

<http://theotherfoundation.org/wp-content/uploads/2019/10/Other-Foundation-Stabanisation-Paper-v4.pdf>

^{۲۰} Musawah

^{۲۱} CEDAW

^{۲۲} بسیاری از افراد، فمینیسمی را که به‌طور مشخص اشکال همپوشان ستم را به رسمیت می‌شناسد، «فمینیسم تقاطع‌گرا» می‌نامند.

منابع:

-Adams, Rachel (2017) 'Michel Foucault: Discourse. Critical Legal Thinking', <https://criticallegalthinking.com/2017/11/17/michel-foucault-discourse/> (last checked 11 July 2021)

- AWID (2021) *Rights At Risk: Time For Action Observatory on the Universality of Rights Trends Report 2021*, Toronto: AWID

- Arun, N. (2019) 'State capture: Zuma, the Guptas, and the sale of South Africa' BBC News. 15 July 2019. [https://www.bbc.co.uk/news/world-africa-48980964\(open in a new window\)](https://www.bbc.co.uk/news/world-africa-48980964(open in a new window)). Accessed 28/09/2021

- Bean, K. (2007). *Post-Backlash Feminism: Women and the Media Since Reagan-Bush*. NC: McFarland.

- Berlant, L., & Warner, M. (1998). Sex in public. *Critical Inquiry*, 24, 547–566.

- Bhorat, H., et al. (2017). *Betrayal of the Promise: How the Nation is Being Stolen*. South Africa: State Capacity Research Project.

- Browne, K., & Nash, C. (2020). In Ireland we 'love both'? Heteroactivism in Ireland's anti-repeal ephemera. *Feminist Review*, 124(1), 51–67.

- Bruno, M. M. (2019). Knowledge Against Fear – An Interview with Judith Butler. *Gender and Number*.

- Burke, M., & Bernstein, M. (2014). How the right usurped the queer agenda: frame co-optation in political discourse. *Sociological Forum*, 29(4), 830–50.

-
- Buss, D. (1998). Robes, relics, and rights: the vatican and the Beijing conference on women. *Social and Legal Studies*, 7(3), 339–363.
- Butler, J. (2004). *Undoing Gender*. New York: Routledge.
- Butler, J. (2019). The Backlash Against “Gender Ideology” Must Stop. *New Statesman*.
- Case, M. A. (2019). Trans formations in the vatican’s war on “gender ideology”. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 44(3), 639–664.
- Cohen, C. J. (1997). Punks, bulldaggers, and welfare queens: the radical potential of queer politics? *GLQ: A Journal of Lesbian and Gay Studies*, 3(4), 437–465.
- Corrêa, S. (2017). Gender Ideology: Tracking Its Origins and Meanings in Current Gender Politics. *Engenderings*. London: LSE.
- Corrêa, S., Paternotte, D., & Kuhar, R. (2018). The Globalisation of Anti-Gender Campaigns. *International Politics and Society*.
- Corredor, E. (2019). Unpacking “gender ideology” and the global right’s antigender countermovement. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 44(3), 613–638.
- Cupać, J., & Ebetürk, I. (2020). The personal is global political: The antifeminist backlash in the United Nations. *British Journal of Politics & International Relations*, 22(4), 702–714.
- Datta, N. (2018). “Restoring the Natural Order”: The Religious Extremists’ Vision to Mobilize European Societies Against Human Rights on Sexuality and Re- production. *European Parliamentary Forum on Population and Development*.
- Datta, N. (2021). *Tip of the Iceberg: Religious Extremist Funders against Human Rights for Sexuality and Reproductive Health in Europe 2009 – 2018*. Brussels: European Parliamentary Forum for Sexual and Reproductive Rights.

-
- Davies, I., & Sweetman, C. (2018). Introduction: development and young feminisms. *Gender and Development*, 26(3), 387–401.
- Elshtain, J. B. (1982). Feminist Discourse and Its Discontents: Language, Power, and Meaning. *Signs*, 7(3), 603–621.
- Faludi, S., Shames, S., Piscopo, J., & Walsh, D. (2020). A conversation with Susan Faludi on backlash, trumpism, and #MeToo. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 45(2), 336–345.
- Feder, E. (2014). Power/knowledge. In D. Taylor (Ed.), *Michel Foucault: Key Concepts* (pp. 55–68). London: Routledge.
- Flood, M., Dragiewicz, M., & Pease, B. (2018). *Resistance and Backlash to Gender Equality: An Evidence Review*. Brisbane: QUT Crime and Justice Research Centre, Australia.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge* (A.M. Sheridan Smith, Trans.). New York: Pantheon Books.
- Foucault, M. (1981). The order of discourse. In R. Young (Ed.), *Untying the Text: A Post-Structuralist Reader* (pp. 48–78). London: Routledge and Kegan Paul.
- Foucault, M. (1991). *Discipline and Punish: The Birth of a Prison*. London: Penguin.
- Gill, S. (1995). Globalisation, market civilisation, and disciplinary neoliberalism. *Millennium: Journal of International Studies*, 24(3), 399–423.
- Goetz, A. M. (2020a). The politics of preserving gender inequality: de-institutionalisation and re-privatisation. *Oxford Development Studies*, 48(1), 2–17.
- Goetz, A. M. (2020b). The new competition in multilateral norm-setting: transnational feminists & the illiberal backlash. *Daedalus*, 149(1), 160–179.
- Graff, A., Kapur, R., & Walters, S. D. (2019). Introduction: gender and the rise of the global right. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 44(3), 541–560.

- Grzebalska, W., & Pető, A. (2018). The gendered modus operandi of the illiberal transformation in Hungary and Poland. *Women's Studies International Forum*, 68, 164–172.

- Hall, S. (2018). The west and the rest: discourse and power [1992]. In D. Morley (Ed.), *Stuart Hall Essential Essays, Volume 2: Identity and Diaspora* (pp. 141–184). Durham, NC: Duke University Press.

- Halva-Neubauer, G., & Zeigler, S. (2010). Promoting fetal personhood: the rhetorical and legislative strategies of the pro-life movement after planned parenthood v. Casey. *Feminist Formations*, 22, 101–123.

- Heinrich Böll Foundation. (2015). *Anti-Gender Movements on the Rise? Strategising for Gender Equality in Central and Eastern Europe*. Berlin: Heinrich Böll Foundation.

- Hellman, J., Jones, G., Kaufmann, D., & Schankerman, M. (2000). Measuring Governance, Corruption, and State Capture: How Firms and Bureaucrats Shape the Business Environment in Transition Economies. *Policy Research Working Paper: 2312*. Washington, DC: World Bank.

- Hemmings, C. (2020). Unnatural feelings: the affective life of “anti-gender” mobilisations. *Radical Philosophy*, 2(09), 27–39.

- Hook, D. (2001). Discourse, knowledge, materiality, history: foucault and discourse analysis. *Theory & Psychology*, 11(4), 521–547.

- Jaschik, S. (2017). Judith Butler discusses being burned in effigy and protested in Brazil. *Inside Higher Education*.

- Judge, M. (2018). *Blackwashing Homophobia: Violence and the Politics of Sexuality, Gender and Race*. London: Routledge.

- Kaoma, K. J. (2012). *Colonizing African Values: How the U.S. Christian Right is Transforming Sexual Politics in Africa*. Somerville, MA: Political Research Associates.

- Kimmel, M. (2013). *Angry White Men: American Masculinity at the End of an Era*. New York: Nation Books.

- Korolczuk, E. (2015). "The war on gender" from a transnational perspective – lessons for feminist strategising. In Heinrich Böll Foundation (Eds.), *Anti-Gender Movements on the Rise? Strategising for Gender Equality in Central and Eastern Europe* (pp. 43–53). Berlin: Heinrich Böll Foundation.

- Korolczuk, E., & Graff, A. (2018). Gender as "Ebola from Brussels": the anti-colonial frame and the rise of illiberal populism. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 43(3), 797–821.

- Kuhar, R., & Zolbec, A. (2017). The anti-gender movement in Europe and the educational process in public schools. *Center for Educational Policy Studies Journal*, 7(2), 29–46.

- Kuhar, R., & Paternotte, D. (Eds.). (2017). *Anti-Gender Campaigns in Europe: Mobilizing Against Equality*. London: Rowman & Littlefield.

- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso.

- Marler, I., Platero, D. M., & Anumo, F. (2018). Reclaiming culture, resisting co-optation: young feminists confronting the rising right. *Gender & Development*, 26(3), 515–532.

- Martinsson, L. (2020). When gender studies becomes a threatening religion. *European Journal of Women's Studies*, 27(3), 293–300.

- McEwen, H. (2020). *Un/Knowing and Un/Doing Sexuality and Gender Diversity: The Global Anti-Gender Movement Against SOGIE Rights and Academic Freedom*. Oslo: SAIH.

- Oppenheim, M. (2018). Hungarian Prime Minister Viktor Orban Bans Gender Studies Programmes. *The Independent*.

- Paternotte, D., & Kuhar, R. (2017). "Gender ideology" in movement: Introduction. In R. Kuhar & D. Paternotte (Eds.), *Anti-Gender Campaigns in Europe: Mobilizing Against Equality* (pp. 1–22). London: Rowman & Littlefield International.

-
- Petchesky, R. P. (2005). Rights of the body and perversions of war: sexual rights and wrongs ten years past Beijing. *International Social Science Journal*, 57(184), 301–318.
- Piscopo, J., & Walsh, D. (2020). Introduction. Symposium backlash and the future of feminism. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 45(2), 265–278.
- Rubin, G. (1997). Thinking sex: notes for a radical theory of the politics of sexuality. In P. Nardi & B. Schneider (Eds.), *Social Perspectives in Lesbian and Gay Studies: A Reader* (pp. 100–133). New York: Routledge.
- Sentiido. (2021). Manufacturing Moral Panic: Weaponizing Children to Undermine Gender Justice and Human Rights. *Elevate Children Funders Group and Global Philanthropy Project*.
- Stille, A. (2014). An Anti-Gay-Marriage Tea Party, French Style? *The New Yorker*.
- Tejas, A. (2015). Malaysian Court Convicts 9 Transgender Women, LGBT Groups Slam Decision. *International Business Times*.
- UN Women. (2019). *Progress of the World's Women 2019–2020: Families in a Changing World*.
- van Klinken, A., & Zebracki, M. (2016). Porn in church: moral geographies of homosexuality in Uganda. *Porn Studies*, 3(1), 89–92.
- Verloo, M. (Ed.). (2018). *Varieties of opposition to gender equality in Europe*. Abingdon, UK: Routledge.
- Weedon, C. (1987). *Feminist Practice and Poststructuralist Theory*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Young, R. (Ed.). (1981). *Untying the Text: A Post-Structuralist Reader*. London: Routledge and Kegan Paul.